

## به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام؛ بزرگترین گناه

آیت الله العظمی سید محمد سعید حکیم  
مترجم: محمد حسین خوشنویس

### چکیده

داستان سراسر غم‌انگیز و عبرت‌آموز قیام عاشورا و به شهادت رسیدن امام حسین علیه السلام دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد و این غم سنگین با یک شگفتی توأم می‌شود که چگونه تنها بعد از گذشت نیم قرن از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی که به ظاهر ادعای مسلمانی و تبعیت از پیامبر را داشتند دست به چنین جنایتی نسبت به اهل بیتش زدند که در طول تاریخ بشریت از ابتدا مانندش دیده نشده و تا انتها هم مثلش نخواهد آمد. این حادثه خونین بزرگترین گناه تلقی می‌شود چون در حق بزرگترین انسانی بود که آن روز روی این کره خاکی گام برمی‌داشت و زندگی می‌کرد. این نوشته به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا به شهادت رساندن سیدالشهدا علیه السلام، بزرگترین و نابخشودنی‌ترین گناه بشریت بود که رُخ داد. مقاله حاضر، گزارشی از بیانات مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمد سعید طباطبایی حکیم (۱۳۵۴-۱۴۴۳ق) از فقها و مراجع تقلید در عراق است با عنوان «قتل الامام الحسین علیه السلام هو الجريمة الأولى» که در فصلنامه اوراق معرفتی شماره ۱۸ ارائه گردید که می‌توان آن را نگاهی نو به واقعه خونین عاشورا از بُعد انسانی و اسلامی دانست.

کلمات کلیدی: قتل امام حسین علیه السلام، بزرگترین گناه، مرحوم آیت‌الله حکیم.

بی تردید بزرگترین واقعه کربلا در همه ابعاد - و حتی بُعد عاطفی - در طول تاریخ  
ت بی مانند است و این حادثه خونین بزرگترین گناه تلقی می شود چون در حق بزرگترین  
انسانی بود که افزون بر انتساب به پیامبر ﷺ و این شخصیت بشمار می رفت. این نوشته  
به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا به شهادت رساندن سیدالشهدا علیه السلام بزرگترین و  
نابخشودنی ترین گناه بشریت تلقی می شود. در این زمینه به دلایل ذیل اشاره می شود.

دلیل نخست:

۱. مقام و مرتبت و جایگاه دینی رفیع و عظیم حضرت حسین بن علی علیه السلام، که ایشان را  
سزاوار ولایت و تصدیق از سوی دیگران می کند. این جایگاه را از آنچه درباره خصوص  
سیدالشهدا علیه السلام و عموم اهل بیت پیامبر ﷺ در کلام خدا و پیامبرش آمده می توان به وضوح  
مشاهده نمود و مانع تنها نمی توانیم آنها را به تفصیل بیان کنیم بلکه این مجال اندک نیز  
گنجایش مختصری از آن را هم ندارد. شیوع و گستره این ادله باعث شده که بتوان با مراجعه  
به مستندات شیعه و اهل سنت به راحتی از آنها مطلع و بهره مند شد.

۲. شیعه معتقد است که نصب و نص الهی بر امامت حضرت حسین بن علی علیه السلام وجود  
دارد و معتقد است که امام بر حق در زمان حیات حضرت حسین بن علی - و پس از امام  
مجتبی علیه السلام - خود ایشان است، پس امام حسین علیه السلام در روزگار خویش و پس از برادر، شخص  
اول امت اسلام است. اوست که بیشتر از دیگران در نزد پروردگار متعال دارای ارج و قرب  
است. اوست که صاحب کرامات عظمی و شایسته تر از همه، به امر خطیر امامت و جانشینی  
رسول خداست و نوبت به دیگران برای دستیابی به این عهد و امانت الهی نمی رسد.

۳. بلاذری می گوید: مردم عراق و حجاز نزد [امام] حسین [علیه السلام] آمد و شد می کردند و  
او را بزرگ می داشتند و بسیار احترام می گذاشتند و فضایل او را زبان به زبان می چرخاندند و  
طالب حضور او بودند. آنها تردید نداشتند که پس از معاویه! هیچ کسی در این عالم، هم وزن  
حسین بن علی [علیه السلام] نیست. (بلاذری، ج ۳، ص ۳۶۶)

## دیل دوم:

۱. قرابت امام حسین علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اینکه ایشان آخرین عضو آل عبا و آخرین فرد از ختمه طیبه و خاصان اهل بیت است. شخصی که مورد لطف ویژه و مهربانی بی مثال رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. تا مدت‌ها پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانی از اصحاب که طول عمر داشتند و زنده بودند، این فضایل را روایت می‌کردند به طوری که نقلش نقل محافل بود. افرادی از صحابه بودند که عبیدالله بن زیاد لعین و یزید بن معاویه خبیث را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دادند تا آنها از اهانت به سر شریف و مقدس امام حسین علیه السلام دست بردارند. مین صحابه بودند که به این سردمداران کفر و الحاد یادآور شدند که چه‌ها از رسول خدا محمد مصطفی صلوات الله علیه و آله در ارتباط با حضرت حسین بن علی علیه السلام دیده‌اند و اینکه حضرت چگونه جای چوب خیزران لب و دهان حسین علیه السلام را می‌بوسید. صحابه‌ای همچون انس بن مالک (هیثمی، ج ۹، ص ۱۹۵؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۲۵) و زید بن ارقم (هیثمی، ج ۹ ص ۱۹۵؛ طبرانی، ج ۵، ص ۲۰۶ و ۲۱۰؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۳۶) و ابوبرزه اسلمی (ابن اثیر، ج ۵، ص ۲۰؛ المزی، ج ۶، ص ۴۲۸) و شاید دیگرانی از اصحاب (ابن سعد، باب بیوگرافی امام حسین علیه السلام، ص ۸۲، ح ۲۹۶).

۲. مردم با دیدن امام حسین علیه السلام به یاد جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌افتادند و حرکات و سکنات سیدالشهدا تداعی‌کننده روش و منش پیامبر بود. همچنین به یاد شفقت و دلسوزی و صف‌ناشدنی پیامبر نسبت به حضرت حسین علیه السلام می‌افتادند و همین امر موجب برانگیخته شدن بیش از پیش احساسات دینی و عاطفیشان نسبت به سیدالشهدا علیه السلام می‌شد.

دل‌سوم: ویژگی‌های شخصی و شخصیتی امام حسین علیه السلام در دیانت و استقامت و شجاعت و سخاوت و حسن معاشرت و معرفت و علم و عقل و عمل و اخلاق و سلوک و مردم‌داری، محبت ویژه‌ای را در دل خاص و عام نسبت به حضرت ایجاد کرده بود و همین اوصاف بود که موجبات احترام مردم و تقدیم و ترجیح ایشان را بر دیگران فراهم می‌کرد.

۱. زمانی که امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به معاویه ز تی یک سری از کار یش را به او تذکر

داد، برخی از اطرا یانش به او پیشنهاد کردند که او نیز در مقابل، در نامه‌ای به امام حسین علیه السلام از او و پدرش امیرمؤمنان علیه السلام بدگویی کند، معاویه چنین گفت: «چه کنم که هرچه از پدرش گویی کنم جز دروغ چیزی نگفته‌ام و من نیز حاضر نیستم که به دروغ از کسی عیب بگیرم. از حسین نیز بد نمی‌گویم چون هیچ بدی در او نمی‌بینم و هیچ عیبی از او سراغ ندارم». همین معاویه در جایی گفته است که حس — محبوبترین فرد نزد مردم است. (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۰۶). از شبت بن ربیع که از جمله کمر بسته‌ها به قتل امام حسین علیه السلام بود، نقل شده است که حسین بن علی بهترین اهل زمین است. (طبری، ج ۴، ص ۳۳۲).

۲. محمد بن حنفیه به امام حسین علیه السلام عرض کرد: من می‌ترسم که شما با مسافرت از مدینه در میان جمعی قرار بگیرید که درباره شما به اتفاق نظر نرسند و گروهی با شما و گروهی دیگر بر شما اعلام موضع کنند و با شروع درگیری شما اولین فردی باشید که هدف آماج تیر قرار می‌گیرید که در این صورت، خون بهترین شخصیت این امت از حیث کمالات و پدر و مادر روی زمین ریخته شده و خانواده اش از بین می‌روند. (همان، ص ۲۵۳).

۳. روایت شده که روزی امام حسین علیه السلام از کنار جمعی که عبدالله فرزند عمرو عاص در بین آنها بود عبور می‌کردند. در همین لحظه عبدالله به اطرافیانش گفت: آیا می‌خواهید محبوبترین زمینی در میان آسمانیان را به شما معرفی کنم؟ گفتند: بله. عبدالله اشاره به امام حسین علیه السلام کرد و گفت: مین آقا! او از جنگ صفین تا الآن یک کلمه با من سخن نگفته. اگر از من راضی شود برایم دوست داشتنی‌تر است از ا که تمامی شتران سرخ مو از آن من باشد. (ابن عساکر، ج ۳۱، ص ۲۷۵)

۴. از فرزدق شاعر معروف روایت شده که گفته: به خدا قسم که این حسین فرزند فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، منتخب از سوی خدا و برترین انسانی است که هم اکنون روی زمین قدم برمی‌دارد. (خوارزمی، ج ۱، ص ۲۲۳). روزی فرزدق به امام حسین علیه السلام عرض کرد: شما محبوبترین فرد نزد مردم هستید، ولی شمشیرهای آنها بر شما و با بنی‌امیه است ولی در نهایت هرچه خدا بخواهد می‌شود. (ابن عساکر، ج ۵۰، ص ۲۸۵)

۵. عبدالله بن مطیع در مسیرش به طرف مکه به امام حسین علیه السلام عرض کرد: ا نیز به مکه ایید که به حق، سرور تمام عرب در روزگار ما هستید. (خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ابن اعثم، ج ۵، ص ۲۵). عبدالله در سخنی به حضرت می گوید: یا ابن رسول الله! خدا را در نظر بگیرد و حرمت اسلام را از بین نبرید! شما را به خدا قسم می دهم که شأن عرب را حفظ کنید. به خدا قسم که اگر خواهان چیزی هستید که در دست بنی امیه است آنها قطعاً شما را خواهند کشت و اگر اینان شما را به قتل برسانند دیگر از هیچکس بیم نخواهند داشت. (مفید، ج ۲، ص ۷۲؛ طبری، ج ۴، ص ۲۹۸).

۶. ابن سعد روایت مسندی دارد که روزی امام حسین علیه السلام از کنار زمینی عبور می کردند که عبدالله بن مطیع در آن مشغول به کار بود. حضرت با کمک او از مرکب پایین آمدند. عبدالله حضرت را در جای خود نشانید و به ایشان عرض کرد: پدر و مادرم به فدایتان! کمی کوتاه بیایید و جانتان را به خطر نیاندازید! به خدا قسم که اگر این طایفه شما را بکشند همه ما را به بردگی می کشند. (ابن سعد، ج ۵، ص ۱۴۵).

۷. در روایت دیگری عبدالله به امام حسین علیه السلام عرض کرد: به خدا قسم که اگر این قوم شما را بکشند، دگر برای هیچ رمتی باقی نخواهد ماند. (ابن عبدربه، ج ۴، ص ۳۴۴؛ بیهقی، ج ۱، ص ۲۶)

۸. ابن اثیر می گوید: [بعد از عاشورا] مردم به سنان بن انس نخعی می گفتند: تو حسین بن علی را کشتی! آنکه فرزند فاطمه دختر رسول خدا بود. تو با عظمت ترین و بزرگترین انسان را به قتل رساندی! (ابن اثیر، ج ۴، ص ۷۹). سنان بن انس همان بیچاره‌ای است که وقتی سر مقدس امام حسین علیه السلام را از تن شریفش جدا کرد روبروی لشکر کفر ایستاد و به فرماندهان ظالمش گفت: رکابم را از طلا و نقره کنید که من سرور پرده‌دار را کشتم. کسی را کشتم که پدر و مادرش از همه بهتر بودند و نسبش از همه مردم شریفتر بود. (همان)

۹. عبدالله بن جعفر در ضمن نامه‌ای به امام حسین علیه السلام تلاش می کرد تا حضرت را از سفر منصرف کند. او برای حضرت نوشته بود: شما را به خدا قسم می دهم که به محض وصول نامه

از مسیری که رفته‌اید برگردید. من دلم شور می‌زند و می‌ترسم که شما از این سفر بازگشتی نداشته باشید و خانواده‌تان به دردسر بیافتند. اگر خدای نکرده برای شما اتفاقی بیافتد، نور خدا روی زمین خاموش می‌شود. شما پرچم هدایت و پرچم دار هدایت شدگان تید. در سفر شتاب مکنید! (همان، ص ۴۰)

۱۰. حضرت سیدالشهدا در لحظات آخر با اندک رمقی که داشت خطاب به جبهه شیطان فرمود: ای امت بدکار! چه بد با خاندان پیامبرتان رفتار کردید! شما بعد از کشتن من دیگر عبد صالحی از بندگان خدا پیدا نخواهید کرد که از کشتنش بترسید چون ا کار بر شما آسان خواهد شد. (خوارزمی، ج ۲، ص ۳۴؛ ابن اعثم، ج ۵، ص ۱۳۵). حضرت فرمود: به خدا قسم که پس از کشتن من دیگر بنده صالحی در میان تمامی بندگان خدا نخواهید یافت که دستتان به خونس آغشته شود. خدا بر شما خشم بگیرد که ا چنین با من رفتار می‌کنید. (طبری، ج ۴، ص ۳۴۶؛ ابن اثیر، ج ۴، ص ۷۸).

### نتیجه گیری

امام حسین علیه السلام؛ خامس آل عبا و سبط ا غر پیامبر صلی الله علیه و آله و تنها حجّت خدا در دوران امامتش بود. قصور و تقصیر نسبت به چنین شخصیتی بی نظیر و عظیم الشان به همان اندازه می‌تواند بزرگ و بی بی و غیرقابل اغماض باشد چه برسد به اینکه فراتر از قصور و تقصیر، جنایاتی غیرقابل وصف نسبت به ایشان و اهل بیتش روا داشته شود که با صد افسوس و هزاران اندوه که روا داشته شد و تاریخ بشریت را برای همه سرافکننده و شرمسار ساخت و کلّ تاریخ را - از ابتدا تا انتها - تحت تأثیر قرار داد؛ بزرگترین گناه در حقّ بزر ترین انسان.

## منابع

١. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، دار بيروت، لبنان، ١٤٠٥ق - ١٩٨٥م.
٢. ابن اثير جزري، علي بن محمد، الكامل في التاريخ، دارالكتب العلميّة، ١٤٠٧ق - ١٩٨٧م.
٣. ابن اعثم كوفي، احمد بن اعثم، كتاب الفتوح، دارالأضواء، بيروت، چاپ اول، ١٤١١ق.
٤. ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفريد، دارالكتب العلميّة، بی تا.
٥. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدينة دمشق، دارالفکر، ١٤١٥ق - ١٩٩٥م.
٦. بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، دارالكتب العلميّة، بیروت، بی تا.
٧. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين (مقتل خوارزمی)، انوار الهدی، قم، ١٤٢٣ق.
٨. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، مكتبة ابن تیمیّة، چاپ اول، قاهره، ١٣٩٨ق.
٩. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، (تاریخ طبری)، مؤسسه عزالدین، بیروت، ١٤٠٧ق.
١٠. المزی، جمال الدین یوسف، تهذیب الكمال في أسماء الرجال، دارالكتب العلميّة، دمشق، بی تا.
١١. مفید، محمد بن محمد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، بیروت، بی تا.
١٢. هیثمی، علی بن ابی کر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مكتبة القدسی، قاهره، ١٤١٤ق - ١٩٩٤م.

